

در بزرگداشت زن و فرهنگ

محمد جعفری (قنواتی)



- زن و فرهنگ (مجموعه مقالات)
- به کوشش محمد میرشکرایی و علیرضا حسن زاده
- پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی
و گردشگری و نشر نی
- ۱۳۸۲، ۱۰۵۶ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، ۵۹۰۰ تومان

به تجارب گسترده خود در کار میدانی، موضوع بسیار مهمی را مورد واکاوی قرار داده و براساس آن پیوستگی و استمرار یکی از جنبه‌های فرهنگ سنتی ما را با اساطیر ایرانی نشان داده است. وی در ابتدای مقاله خود این پرسش را پیش می‌کشد که چرا در فرهنگ سنتی ما حمل آب بر عهده زنان قرار دارد؟ و پس از توضیحاتی در این باره و ذکر مصداق‌هایی از این وظیفه در سراسر ایران، علت آن را به درستی چنین ذکر می‌کند: «حرمت سرچشمه آب که به یک ایزدبانو تعلق دارد مانع از آن است که مردان مجاز به رفتن در حریمش باشند. همین ریشه و هسته اصلی، وظیفه‌ای است که هنوز زنان بار مسئولیت آن را با کوزه‌ها و مشک‌های آب بر دوش می‌کشند.» (ص ۱۴۴). وی سپس به «زیارتگاه‌های زنانه امروز» که روزگاری «در شمار نیایشگاه‌های ایزد بانو آنهایتا بوده‌اند» پرداخته و ارتباط آنها را روشن می‌کند.

۲- علیرضا قبادی، در مقاله «مقدمه‌ای بر بررسی نظریه‌های فمینیستی در انطباق با قصه‌های کردی» (ص ۱۵۲) موضوعی مهم را بررسی کرده که از قضا به لحاظ علمی نیز محل مناقشه‌های جدی بوده است. نویسنده در این مقاله با بررسی هفتاد افسانه و متل کردی به برخی از ادعاهای فولکلوریست‌های فمینیست، از جمله «ساماندهی مردانه آثار فولکلوریک» پاسخ داده و سپس با خونسردی علمی نظرات اثباتی خود را عنوان کرده است. نگارنده این سطور که پیش از این بخشی از چنین نظراتی را بررسی کرده خود را با نتیجه‌گیریهای نویسنده مقاله هم‌رأی و همدل می‌بیند. به دلیل اهمیت نظری این

پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی، طی سالهای اخیر در کنار سایر فعالیتهای خود، اقدام به چاپ و انتشار کتابهای ارزشمندی کرده است. صاحب این قلم برخی از این کتابها را پیش از این بررسی و معرفی نموده است. کتاب زن و فرهنگ یکی از جدیدترین کتابهای منتشر شده توسط این پژوهشکده است. این کتاب مجموعه ۴۷ مقاله از صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف در بزرگداشت یکصدمین سال تولد مردم‌شناس بزرگ آمریکایی بانو مارگارت مید است.

نمونه چنین کتابهایی در بزرگداشت برخی از اندیشمندان و ادیبان ایرانی پیش از این به بازار کتاب عرضه شده بود. اما ظاهراً درباره اندیشمندان غیرایرانی، تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، زن و فرهنگ اولین اقدام جدی و قابل توجه در این زمینه است.

مقاله‌های کتاب در پنج فصل تبویب شده‌اند. علاوه بر این در «گفتار ضمیمه» نیز دو مقاله درباره زندگی و آثار مارگارت مید وجود دارد که از منابع خارجی ترجمه شده‌اند. اگر از چند مقاله محدود کتاب صرف نظر کنیم، بخش اصلی آنها اندیشمندانه تصنیف شده و جنبه پژوهشی آنها نمایان است و از همین روی نکات تأمل برانگیز فراوانی در آنها به چشم می‌خورد. پرداختن به فصول مختلف کتاب و اجزای آن فرصتی فراخ‌تر می‌طلبد. از این رو نگارنده فقط به ذکر چند نکته بسنده می‌کند:

۱- در مقاله «زن، آب و خانواده» نویسنده آن، محمد میرشکرایی، با توجه

نتیجه‌گیریها آنها را از زبان نویسنده نقل می‌کنیم: در نگاه فمینیستی به عناصر فولکلوریک به سادگی نمی‌توانیم ساماندهی مردانه محتوای فولکلور را پی‌گیری کنیم، چون شواهد دقیق و کافی هرگز در دست نخواهیم داشت همان‌طور که در افسانه‌های کردی شواهد کافی به دست نیامده است. دوم اینکه عناصر فولکلوریک در مقایسه با عرف حضور کمتری در فرآیند جامعه‌پذیری (در اینجا اجتماع کردستان) ایفا می‌کنند لذا عرف در نزد مردم فربه‌تر از عناصر فولکلوریک‌اند. سوم اینکه با گسترش فضای روشنفکری باید شاهد تغییر در ژانر افسانه و مثل باشیم که مقایسه تاریخی روایت‌های افسانه‌ها چنین نکته‌ای را اثبات نمی‌کند... تفسیر و تبیین فمینیستی عناصر فولکلوریک اگرچه ممکن و ضروری است ولی نسبت به سایر دیدگاه‌های نظری به فراخ شدن مرزهای دانش مدرن فولکلورشناسی کمک چندانی نمی‌کنند.» (ص ۱۵۷)

۳- مقاله «درآمدی بر ریخت‌شناسی قصه‌های عاشقانه» (ص ۱۸۴)
نوشته محمدرضایی‌راد
یکی دیگر از

در نگاه فمینیستی به عناصر فولکلوریک به سادگی نمی‌توانیم ساماندهی مردانه محتوای فولکلور را پی‌گیری کنیم، چون شواهد دقیق و کافی هرگز در دست نخواهیم داشت همان‌طور که در افسانه‌های کردی شواهد کافی به دست نیامده است

جدا از برخی قصه‌های عاشقانه که منشأ سامی دارند،

تعدادی از منظومه‌های عاشقانه هندی نیز به رغم آنکه به زبان فارسی سروده شده‌اند در اساس با منظومه‌های ایرانی متفاوت‌اند

مقاله‌های پژوهشی قابل‌تأمل کتاب است. تلاش نویسنده برای تبیین طرحی نو در «ریخت‌شناسی قصه‌های عاشقانه قابل‌تقدیر است. اما همان‌گونه که خود وی گفته‌واز عنوان مقاله نیز برمی‌آید نتیجه‌این تلاش فقط «درآمدی» بر این مقوله‌است و از این رو تناقض‌پهلی جدی را نیز با خود به همراه دارد. به گمان بنده بهتر آن است که نویسنده در پژوهش پر دامنه خود فقط قصه‌های عاشقانه ایرانی را مورد توجه قرار دهد. زیرا جغرافیای گسترده زبان فارسی در هنگام سرایش این قصه‌ها که از شبه قاره تا مرکز اروپا را در بر می‌گرفته، باعث شده تا فرهنگ‌های متنوعی برای بیان مقصود خود از این زبان استفاده کنند. فی‌المثل جدا از برخی قصه‌های عاشقانه که منشأ سامی دارند، تعدادی از منظومه‌های عاشقانه هندی نیز به رغم آنکه به زبان فارسی سروده شده‌اند در اساس با منظومه‌های ایرانی متفاوت‌اند. در این مورد می‌توان به نل و دمن اشاره کرد. نویسنده مقاله ضمن شرح شیوه‌های عاشق شدن می‌نویسد: «عاشق ابتدا عاشق می‌شود و سپس معشوق را می‌یابد... این مورد البته بسیار عجیب است» (ص ۱۹۹) و سپس مصداق این مورد را قصه نل و دمن ذکر می‌کند. در حقیقت باید گفت در این مورد اندیشه‌های بنیادی فرهنگ هندی بر شکل و ریخت داستان تأثیرات معینی بر جای گذاشته است.

۴- به نظر می‌رسد تبویب کتاب در مواردی می‌توانست با دقت بیشتری همراه گردد. فی‌المثل مقاله‌های «بررسی نظریه‌های فمینیستی...» و «درآمدی بر ریخت‌شناسی...»، که در این نوشته به آنها اشاره شد، بهتر بود که در فصل پنجم، هنر و ادبیات، قرار می‌گرفتند. همان‌گونه که مقاله «نقش زن در انتقال میراث معنوی: لالاییها» در این فصل قرار گرفته است. همچنین مقاله «دشتان (حیض) در ادبیات زرتشتی و فرهنگ ایران باستان» که در فصل پنجم جای گرفته است، جای مناسب آن فصل اول است.

۵- کتاب در هیئتی زیبا و شایسته نام بانو مارگارت مید تهیه شده است.

اما متأسفانه برخی اغلاط چاپی به آن راه یافته که ظاهراً این موضوع را باید جزئی از مشکلات لاینحل چاپ در ایران محسوب کرد.

در پایان باید گفت زن و فرهنگ به دلیل موضوع آن، مناسبت چاپ و همچنین به علت صبغه پژوهشی و علمی مقاله‌های آن، کتابی درخور و کار مؤلفان شایسته تقدیر است.

پی‌نوشت:

۱- نقد و بررسی «قصه‌های مردم» و «نمونه‌هایی از قصه‌های مردم ایران» به ترتیب در کتاب ماه ادبیات و فلسفه شماره ۵۱-۵۰ و کتاب ماه کودک و نوجوان شماره ۸۷.